

در تفرش، بر کنار گذرگاهی که به کوچه باغ‌ها و زمین و مزارع جانب شمالی آن می‌رود، تپه کوچکی به نام «قلعه خرابه» قرار دارد و قناتی به نام «سرکهریز» در پایین دست آن جاری است. مردم برای این تپه و قنات قصه‌ای دارند که چنین است:

صاحب قلعه ارباب ستمکاری بود. یکی از زنان خدمتکارش در شب اول زمستان (شب یلدا) برای سستن ظرف به سر قنات می‌رود. دستش در آب فرو نمی‌رود. به گمان این که آب یخ بسته است، نفرین می‌کند که خدا این قلعه را خراب کند و چنین می‌شود. می‌گویند، در لحظه‌ای که آن زن نفرین کرد، آب به خواب رفته بود. مادر بزرگ توضیح داد که همه آب‌های جهان، در لحظه نامعینی از شب یلدا، به خواب می‌روند یا بسته می‌شوند و از حرکت بازمی‌ایستند و در آن لحظه اگر کسی چیزی از خداوند بخواهد هرچه باشد، به آن می‌رسد.

این حکایت و این باور مردم را که آن روز شنیدم، در ذهنم نقش بست و هر وقت از کنار آن قنات می‌گذشتم، در خاطرم زنده می‌شد. بعدها که دست‌اندرکار پژوهش شدم، موضوع را در کتاب‌ها و مقالات مختلف که در رابطه با آب و باورها و اعتقادات مردم بود، پی گرفتم. اما در هیچ نوشته‌ای نشانی از آن ندیدم. در سفرهای تحقیقاتی به شهرها و روستاها و در میان عشایر ایران و در حاشیه پژوهش‌هایی که داشتم خواب آب را جویا شدم، و جست‌وجوی آن را به همکاران و دوستان پژوهش‌گرم در مناطق مختلف کشور نیز پیشنهاد نمودم. شنیدنی و قابل توجه بود که طیف‌گونه گونی از آن در بسیاری از نقاط به دست آمد و در نقاط دیگری هم ردپای آن در ترکیب با باورها و اعتقادات و آداب و رسوم گوناگون پیدا شد. همه آب‌ها در لحظه نامعینی در یکی از شب‌های سال از حرکت بازمی‌مانند، به نحوی که دست یا چیز دیگری در آن فرو نمی‌رود. کیفیتی شبیه انجماد، اما جز آن. مردم باور دارند که در آن لحظه، هر نیازی بخواهند و هرچه آرزو کنند برآورده می‌شود. این شب را در نقاط مختلف به تفاوت شب عاشورا، شب‌های قدر، شب نیمه شعبان، شب عید قربان، لحظه تحویل سال، شب چله زمستان و شب تیر ماسیزه می‌دانند. به این ترتیب جلوه دلنشینی از فرهنگ مردم، که در آن آب، به طور کلی و به عنوان یک عنصر مطرح می‌شود، و به احتمال در حوزه فرهنگ ایرانی گسترشی فراگیر داشته است، می‌رفت تا به لایه‌های زیرین فرهنگ پیوندد؛ و حلقه‌ای از زنجیره و مجموعه پیوندهای فرهنگی که داشت در غبار زمان گم می‌شد، شناخته گردید و می‌تواند در شناخت ابعاد دیگری از فرهنگ به کار آید و مؤثر واقع شود.

در اینجا به اختصار و در حد این قسمت توضیحاتی درباره باور به خواب آب می‌آورم و تفصیل آن را به بخش آب در فرهنگ مردم وامی‌گذارم.

در منطقه دشت ساوه و روستاهای حوزه رودخانه قره‌چای در مناطق کوهستانی تفرش، معتقدند که هنگام تحویل سال، خضر(ع) گذر می‌کند و همه آب‌ها از حرکت می‌ایستند و کسی که لحظه‌ی سکون آب را دریابد، هر نیازی از او (خضر) بخواهد، اجابت می‌کند. همچنین در برخی روستاهای دشت ساوه بر این باورند که در لحظه ایستادن آب، درختان سر فرود می‌آورند و به آب‌ها سلام می‌دهند. در اینجا خضر با آب یکی می‌شود، درختان در قدم او سر فرود می‌آورند و به آب سلام می‌دهند. در روستای جلایر از نقاط حاشیه رودخانه قره‌چای قصه‌ای نقل می‌کردند، مشابه آنچه که در آغاز آورده شد. می‌گفتند روزگاری زن خدمتکاری هنگام تحویل سال برای برداشتن آب به کنار نهر می‌رود و می‌بیند آب جریان ندارد. آرزو می‌کند خانه‌اش پر از طلا شود و وقتی به خانه می‌آید می‌بیند همان‌گونه که خواسته، شده است.

- در گنبدکاووس و منطقه ترکمن‌نشین شب بیست و هفتم ماه رمضان، هنگامی که حضرت خضر عبور می‌کند، آب‌ها از حرکت می‌ایستند.

- در شهپیرزاد، در لحظه‌ای از شب تیرماسیزه، که خضر می‌آید، آب‌ها لال می‌شوند و آبشارها و جویبارها از صدا می‌افتند.

- در ارسباران، و در روستاهای حوزه رودخانه ارس، خواب آب را در لحظه تحویل سال می‌دانند و برآنند که در این لحظه آب‌ها از حرکت می‌ایستند و درختان سر فرود می‌آورند و در آن لحظه هرکس با خلوص نیت چیزی از خداوند بخواهد، آرزویش برآورده می‌شود.

- در همدان، بر این باورند که آب‌ها در شب عید قربان به خواب می‌روند. همچنین است در منطقه کرمانشاه و در هر دو منطقه آن را به سبب عبور خضر(ع) می‌دانند.

- در گیلان در منطقه لاهیجان و لشت‌نشاء این زمان را هنگام تحویل سال می‌دانند. پیرمردی از اهالی روستای فخرآباد لشت‌نشا می‌گفت: «از پدر بابام (= پدر بزرگم) شنیدم که وقتی سال تحویل می‌شود، اگر لب آب باشی، آب گیر می‌کند.» او در این مورد اصطلاح «گیر کردن» را با همان مفهوم «بستن» (بسته شدن) و «خواب رفتن» به کار می‌برد.

در روستاهای رودبار گیلان نیز بر همین باورند و سبب آن را گذر کردن خضر(ع) می‌دانند. در روستاهای رودسر و در قاسم‌آباد، معتقدند که شب قتل (عاشورا) آب‌ها از حرکت می‌ایستند.

در شهرهای غربی گیلان در پاره‌ای نقاط خواب آب را در لحظه‌ای از شب نیمه شعبان و سبب آن را در گذر کردن حضرت امام زمان (عج) می‌دانند.

در منطقه تالش به یکی از شب‌های احیاء و شهادت حضرت امیرالمؤمنین(ع) و همچنین شب یا ظهر عاشورا برای زمان خواب آب باور دارند.

در روستای نومندان هشتپر تالش معتقدند در یکی از شب‌های قدر برکت به زمین می‌آید، خُدر (= خضر) گذر می‌کند، آب‌ها ساکن می‌شوند و درختان به زمین خم می‌شوند و در آن وقت هرچه از خداوند بخواهند، بدان می‌رسند.

در فرهنگ ارمنیان نیز که پیوندهای فرهنگی دیرین سال با ایران دارند، باور به از حرکت ایستادن آب‌ها وجود دارد و آن را در لحظه‌ای از شب عید پاک می‌دانند.

از نقل نمونه‌های یاد شده، چنین برمی‌آید که خواب آب، در وقت و زمانی خاص و قدسی روی می‌دهد؛ لحظه‌ای که دارای ارزش و جایگاهی اعتقادی است و یا در ریشه‌های کهن خود از چنین جایگاهی برخوردار است؛ در رابطه با خضر(ع) و گردش او بر روی زمین است؛ لحظه نزول برکات است؛ و سبب سرسبزی و سرزندگی است؛ لحظه‌ای از شب‌های قدر است، وقتی است که در آن قرآن کریم نازل می‌شود؛ لحظه شهادت حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) و امام حسین(ع) است؛ از تجدید حیات و نو شدن خبر می‌آورد. لحظه ایستادن و باز آزنو به حرکت درآمدن در آغاز نوروز است، در هنگام تحویل سال، که خود جایگاهی اعتقادی و آیینی دارد؛ لحظه‌ای در شب یلدا است، که روزگاری یک زمان مقدس بود و امروزه سنت قدسی آن (زمان تولد مهر) در قالب رسم چله زمستان باقی مانده است؛ لحظه‌ای از شب «تیر ماسیزه» است که در تقویم محلی مناطق شمالی ایران جشنی با پیشینه مذهبی در پیوند با آب است؛ و همچنین است لحظه‌ای در شب عید پاک در فرهنگ قوم ارمنی.

تیمن و تبرک و تقدس همه این لحظه‌ها، وجه مشترک صورت‌های گوناگون این باور کهن است.



○ انسان و آب در ایران
○ محمد میرشکرایی
○ گنجینه ملی آب ایران

معمول در دوره‌های مختلف تاریخی و مناطق مختلف گستره‌ی جغرافیایی پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و پراکنش جغرافیایی و حوزه‌های فرهنگی گسترش هر یک در نقشه‌های مردم‌نگاری نموده شده است. به گفته‌ی مؤلف پژوهش این اثر به تبع حوزه مردم‌شناختی آن برپایه دو شیوه‌ی تحقیق در متون و پژوهش‌های میدانی انجام گرفته است.

پژوهش انسان و آب با توجه به بررسی حضور آب در تمامی ابعاد زندگی انسان ساکن در سرزمین ایران، به لحاظ زمانی سه دوره عمده و متمایز را دربر گرفته است. دوره پیش از آریایی یعنی عصر فرهنگ ایلامی و فرهنگ‌های دیگر پیش از ورود آریاییان و دوره آریایی که شامل دو دوره پیش از اسلام و دوره اسلامی می‌شود.

نویسنده کتاب را در سه بخش همراه با اسناد تصویری و نمایه و فهرست منابع ارائه کرده است. در بخش اول آب در فرهنگ‌های پیش از آریایی، آریایی، پیش از زردشتی، زردشتی و اسلامی بررسی و سپس آب در فرهنگ عامه ایران مورد توجه قرار گرفته است. در بخش دوم باران، کوسه، در فرهنگ‌های آریایی، طبقه‌بندی آیین‌ها و مراسم باران خواهی، پتیارگان باران (باران‌ستیزان) و در بخش سوم دریا، پیدایش دریای فراخکرد، رود در فرهنگ‌های پیش از آریایی و آریایی، سراب‌ها و چشمه‌ها عناوین مورد بحث این دو فصل هستند.

شاید با نقل پیرمردی از اهالی فخرآباد لشت‌نشا، که در همین کتاب تحت عنوان خواب آب آمده است، بتوان حضور آب را در فرهنگ عامه‌ی مردم ایران بهتر دریافت.

خواب آب

سال‌های کودکی‌ام با یادهایی از صبحگاهان تفرش و از مادر بزرگم، همیشه در خاطر من زنده است. او تا وقتی که توانی در تن داشت، هر روز صبح زود مرا با خود به گشت و گذار در باغ و زمین‌های اطراف و تا کنار قناتی که نزدیک خانه‌مان بود می‌برد و در راه برایم از اینجا و آنجا حکایت‌ها می‌گفت. شنیده‌ها و حکایت‌هایی که امروز گنجینه یادهای کودکی‌ام شده است و به مناسبت از آن بهره می‌گیرم.

آنچه را در اینجا نقل می‌کنم برپایه یکی از یادهایی است که از آن روزها در خاطر دارم، خواب آب.

اثر حاضر تحت عنوان «انسان و آب در ایران» بر آن است تا چشم‌اندازی گسترده و تصویری جامع از ابعاد مختلف حضور آب در زندگی انسان ایرانی و تاریخ و فرهنگ این سرزمین پیش چشم خواننده بگذارد. کتاب گرچه بر گذشته‌ها و سنت‌ها تکیه می‌کند، اما با معرفی ارزش‌های نهفته در سنت‌ها، و شناساندن قانونمندی‌های حاکم بر نظام‌های سنتی، که برپایه ریشه‌های کهن فرهنگی - تاریخی ایستاده‌اند، زمینه‌های فرهنگی و راه‌کارهای کارآمد برگرفته از آن را می‌نمایاند.

مؤلف معتقد است اولین گام‌ها در همه‌ی عرصه‌های بهره‌وری از آب به روزگاران کهن بازمی‌گردد و به تناسب دانسته‌های آنان، اغلب با پندارها و باورهای آمیخته است، که ریشه در اسطوره‌ها و آیین‌های مبتنی بر آنها دارد. تجربه‌های نخستینی که با همین باورها و افسانه‌ها در آمیخته و در گذر زمان در آداب و رسوم و باورهای مردم استمرار یافته است. بررسی در رسوم و آیین‌های امروزی مربوط به آب و تمیز آنچه در هر دوره و زمان بر آن اضافه شده آینه‌وار رابطه‌ی انسان و آب و جایگاه آب را در ذهنیت مردمان ادوار مختلف تاریخی این سرزمین در مقابل ما قرار می‌دهد. اثر حاضر که نخستین دفتر از مجموعه‌ی پنج‌جلدی «انسان و آب» است و به آیین و اسطوره می‌پردازد، آب را در جهان اسطوره‌ها و ادوار کهن و در متن پندارها و باورداشت‌ها و اعتقادات هر دوره و زمان بررسی و تداوم و تحول آن را در بستر تاریخ و جریان کلی فرهنگ تا حضور آن در فرهنگ زنده‌ی امروز مورد توجه قرار می‌دهد.

این بررسی در چند محور انجام شده است:

ابتدا آب به طور کلی و به عنوان یک عنصر که در ساخت و بنیاد جهان در اسطوره‌ها و تاریخ در فرهنگ جاری امروز حضور دارد با عناوین آب و آفرینش، آب، زندگی و جاودانگی، آب و تطهیر، خواب آب مورد بحث قرار می‌گیرد.

نویسنده سپس تحت محور آب و پهنه‌ی آسمان، به جست‌وجوی جهان‌بینی حاکم بر ذهن و اندیشه آدمیان اعصار کهن و تعبیر و تفسیر ساختار اسطوره‌ها می‌پردازد و تحول جهان‌بینی‌ها و اندیشه‌های انسانی را در این سرزمین در رابطه با آب تا زمان حاضر پی می‌گیرد.

در بحث آب در گستره‌ی زمین و دریا، و تحت عناوین چشمه، سراب، رود، دریا و دریاچه، اسطوره‌های کهن، باورها، اعتقادات، آداب و رسوم و آیین‌های